

بحکم طبع بلند خریش افکار پست دنیوی را بهیچ شمرده و خدمات ادبی خود را بیش از پیش ادامه داده بزودی شرح حال کامل قابوس و شمگیر و ابوالفتح بستنی را ضمیمه شرح حال صاحب بن عباد فرمایند ( وحید )

## چگونه اشتباه میکنند؟

« بقام آقای کسروی »

آقای مدیر ! در مقاله ( قطران شاعر آذربایجان ) که در شماره قبل چاپ گردید در پایان مقاله شرحی یاد نموده ام که اینکه دولتشاه و دیگران نام پدر شاعر تبریز را منصور یا ابو منصور نوشته و لقب هائی از قبیل (الاجل) و « العضدی » برای شاعر شمرده اند مطالب بی دلیل و بی پاست ، و گفته ام که منشاء اشتباه مؤلفان زبور این بوده که گویا در پشت یکی از نسخهای دیوان شاعر عبارتی بدینسان ( قطران شاعر الامیر الاجل ابومنصور الازدی ) نوشته بوده که مقصود نسبت شاعر بامیر و هسودان است ولی یکی از خوانندگان بیدانش چنان پنداشته که همگی عبارت در باره خود شاعر می باشد و همه لقب هارا از آن خود او دانسته و از این رو تصرف در عبارت نموده و آنرا بدین شکل انداخته که ( الامیر قطران ابومنصور شاعر الاجلی العضدی ) ، و از همین جا دولتشاه و دیگران هم آن لقب ها را برای شاعر یاد نموده و نام پدر او را ابو منصور یا منصور نوشته اند — نیز گفته ام که نظیر این گونه اشتباه و تصرف در عبارت و مطالب از مؤلفان پیشین بسیار روع داده است در آن مقاله مجال نداشته ام که نمونه هائی از آن گونه اشتباه های مؤلفان برای مثل یاد نمایم . از سوی دیگر نمی خواهم که گفته های خود را بی دلیل بگذارم

تا قرئین نامه ارمغان به گزافه نویسی منسوب سازند اینست که در این مقاله چندتا از اشتباه های مؤلفان را که درست نظیر آن فرض است که در آن مقاله نموده ایم یاد می کنم که هم گفته خود را بادلل توأم گردانم و هم در این میانه یکسرشته از سهو های کتابها را تصحیح نمایم:

### ۱ - آیا چنگیز خان آهنگر بوده !؟

ابن بطوطه سیاح معروف تازی در سفر نامه خود در باره چنگیز خان می نویسد که او آهنگری در خطا بود . . .

جز از ابن بطوطه هرگز کسی این نسبت را بچنگیز خان نداده و آنچه که مایه اشتباه ابن بطوطه شده این است که نام نخستین چنگیز خان را در برخی کتاب ها « تموچین » نوشته اند . مؤلف مزبور این کلمه را بغلط « تمرچی » خوانده و چون این کلمه بترکی بمعنی آهنگر است از اینجا آن خبر را در آورده که چنگیز خان آهنگری در خطا بود ! . . .

### ۲ - صاحب الزنج منجم بوده !؟

داستان صاحب الزنج در کتاب ها معروفست که در زمان خلیفه المعتمد عباسی سیاهان زنگی را بر سر خود گرد آوردند بر خلیفه مزبور شورید و سالها میانه او و سپاه بغداد جنگ بر پا بود تا او گرفتار و کشته گردید . مرحوم سید عبدالله شوشتری در تذکره شوشتر نام این مرد را « علی ابن محمد منجم . . . » یاد می نماید . با آنکه او را هرگز سر و کار با علم نجوم نبوده و کسی او را با این نام نخوانده .

آنچه که مایه اشتباه مرحوم سید عبدالله شده اینست که کلمه « صاحب الزنج » را بغلط « صاحب الزیج » خوانده و از اینجا کلمه منجم بر نام او افزوده است !

## ۳ - ایرانی و ایونی !

خواجه عطا ملك جوینی در تاریخ جهانگشا در داستان جنك معروف جلال الدین خوارزمشاه با گرجیان این عبارت هارا می نویسند : « پیش از آنکه گرج دست بجنك برند سلطان پای نهاد و ایشان را دست بردی نیکو نمود . . . و سروران فتن و شیران زهن شلوه و ایوانی بادیسگر اعیان گرجی را دستگیر کردند و در زنجیر کشیدند تا نزدیک سلطان آوردند و چون نزدیک سلطان رسیدند فرمود کجاست صوت تو که گفته بودی صاحب ذوالفقار کجاست تا زخم شمشیر آبدار بیند شلوه گفت این کار دولت سلطان کرد بعد از آن اسلام برو عرضه کردند گفت دهاقین را رسمی باشد که در میان جالبز چشم زخم را سرخر آویزند . . . فی الجمله چون سلطان مؤید و کامران بدارالملک تبریز رسید . . . شلوه و ایوانی را عزاز فرمود و براندیشه آنکه ایشان در استخلاص گرج معاون باشند با مزید اکرام مرند و سلماس و ارومیه و اشنو را بدیشان داد

بنا پارسایان چه داری امید گذزنگی به شستن نگر د سپید .

در این عبارت ها دواشتباه است : یکی آنکه گرفتار شدن ایوانی دروغ است و تنها شلوه بود که گرفتار شد. زیرا گذشته از آنکه ایوانی سپهسالار گرجیان بود در این وقت اختیار ارمنستان و گرجستان در دست او بود و شرح حال او را در تاریخ های ارمنی به تفصیل نوشته اند و هرگز از چنین دستگیری خبری نیست محمد نسوی که منشی جلال الدین بوده و این جنك را با چشم خود دیده نیز تنها دستگیری شلوه را می نویسد و هرگز ایوانی نام نمی برد . با آنکه شلوه پهلوانی بیش نبوده و ایوانی بسیار مهمتر از او بوده است اشتباه دیگر آنکه دادن جلال الدین ارومی و اشنو را به شلوه و ایوانی هرگز

باور کردنی نیست . زیرا چنانکه گفتیم ایوانی و شلوه دو دشمن بزرگ اسلام بودند و بر فرض که جلال الدین جوانمردی نموده برایشان بخشود دیگر دور از شرط خرد بود که سرزمین هائی را هم بآن دشمنان بسپارد . بویژه که آن سرزمین ها پیوسته بگرجستان و ارمنستان می باشد!

آنچه که منشاء این دو اشتباه شده اینست که در آن زمانها ایلی از ترکان بنام «ایوه» یا «ایوانی» میانه بغداد و همدان نشیمن داشت از بزرگترین ایلهای ترک بود و بزرگ ایشان سلیمان شاه در تاریخها معروف است که در محاصره بغداد سپهسالار لشکر خلیفه بود و پس از گشادن آن شهر به فرمان هلاکو خان کشته گردید

در زمان جلال الدین دسته از این ایلی به آذربایجان آمدند و اوارومی و اشنورا بایشان داد .

گویا در کتابی نخست داستان جنگ جلال الدین با گرجیان و ایوانی و گورقنارے شلوه را یاد نموده و سپس این داستان را نوشته بوده که جلال الدین اوارومی و اشنورا به «ایوانی» یعنی بان ایلی ترک داد . عطا ملک این کلمه را بغلط «ایوانی» خوانده و یقین کرده که ایوانی سپهسالار گرجیان مقصود است که او نیز دستگیر شده و نزد جلال الدین بوده است و از اینجا تصرف در داستان کرده و آن دو اشتباه را مرتکب شده ! یا شاید دیگری این اشتباه را کرده بوده و عطا ملک عبارات خود را بی کم و کاست از او برداشته . چنانکه خواجه رشید وزیر عبارات عطا ملک را بر داشته و در تاریخ خود نقل نموده است . ( ۱ )

( ۱ ) این اشتباه عطا ملک در مقاله منصل در مجله سودمند چاپ شده ولی چون غلطهایی در چاپ روی داده بود خلاصه آن در اینجا مکرر نوشته شد

#### ۴ - محمد بن الفلاح یا فلاح بن محمد؟!

دوست فاضل ما آقای شیخ عبدالعزیز جواهری در آثار الشیعه که در چند جلد عبری تألیف نموده و بخشی از آن پارسی ترجمه و در سال ۱۳۰۷ شمسی با خرج وزارت جلیله معارف چاپ یافته یکی از خاندانهائی را که یاد مینماید مشعشعیان است که از نیمه قرن نهم هجری در حویزه و بخشی از خوزستان فرمانروائی داشته‌اند و بازماندگان ایشان تا امروز در حویزه معروف می‌باشند.

مؤلف مزبور از جمله مینویسد: «اولین پادشاه این سلسله فلاح بن محمد در سنه ۸۵۴ وفات نمود». نیز مینویسد: «فلاح بن محمد فقط در حویزه حکومت می نمود و در سنه ۸۵۴ در گذشت بعد از او فرزندش محمد بن فلاح ملقب بمهدی بر اهواز و سواحل قرات تا حله استیلا یافت».

یکی از خاندانهائی که نگارنده این مقاله در باره تاریخشان تحقیق نموده و تألیف کتاب کرده ام این خاندان است. بنیاد گزار ایشان بدون شك سید محمد پسر فلاح بوده و فلاح پدر این سید محمد در واسط میزیسته و هرگز روی حکومت ندیده. این تفصیل را در هر کتابی که از مشعشعیان سخنی رانده اند صریح نوشته‌اند و هرگز کسی مدعی نشده که فلاح پدر سید محمد بحویزه آمده یا روی حکومت دیده باشد.

سهوهای دیگر نیز از آقای جواهری در همین قسمت کتاش روی داده ولی این سهو بسیار شگفت است من وقتیکه کتاب ایشان را خواندم از تعجب خود دارم نتوانسته‌ام ناگزیر بصدد کشف علت این اشتباه بر آمدم.

یکی از کتابهائیکه آقای جواهری در ضمن تألیف کتاب خود بکار

برده کتاب ریاض العلماء است : آقای جواهری نسخه خطی بسیار غلط آن را در دست داشته اند که در نسخه مزبور ناسخ عبارت « و اول من ملك منهم محمد بن الفلاح » را بخلط « و اول من ملك منهم الفلاح بن محمد » نوشته و همچنین غلطهای دیگر از ناسخ در نسخه مزبور بوده است . آقای جواهری از این غلطها آگاهی نداشته و بکتابهای دیگر هم رجوع ننموده و از روی همان عبارت ها غلط و وارونه مطالب خود را برداشته و قدری هم از روی پندار و گمان تصرف در آن مطالب نموده و این است که يك رشته اشتباهات دچار شده است .

## فلاحت

امسال پنج رساله كوچك از طرف ( شركت اسهامی پنبه روس و ایران ) در خصوص زراعت پنبه امریکائی طبع و نشر شده و برای بسط فوائد بتدریج در ارمغان طبع میگردد . البته مالکین و زارعین ایرانی خاصه اصفهان از فوائد این مقاله ها غفلت نکرده و از راه عمل بدان بر منافع خود و ملك و ملت خواهند افزود

وحید

## اهمیت تخم خوب

در زراعت پنبه

غالباً زارعین پنبه شکایت میکنند که پنبه کم محصول میدهد و می گویند زراعت پنبه دیگر فایده ندارد زیرا که در مقابل مخارج و زحماتی که جهت شخم زدن و آبیاری و مراقبت بوته های پنبه بعمل می آید محصولی که بدست میاورند نسبتاً کم است و ارزش مخارج و زحمات مزبوره را ندارد . بعضی اوقات زارعین میگویند که هرگاه عوض پنبه یونجه بکارند